



## اهمیت ادبیات کودکان و نوجوانان

جمیله زاهدی

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

### چکیده

ادبیات در هر کشوری پایه و اساس جامعه را تشکیل می دهد و نیاز اولیه هر فردی برای تعامل و ارتباط با دیگران است. ادبیات کودک و نوجوان به نوشته ها و سروده های ادبی ویژه ی کودکان و نوجوانان می گویند. این نوع ادبیات هم شامل بخشی از فرهنگ شفاهی عامه، مانند لالائی ها، مثل ها، قصه ها است و هم داستان ها و نمایشنامه ها و اشعار و نیز نوشته هایی در زمینه ی دین، دانش اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی را دربر می گیرد که نویسندگان و سرایندگان برای کودکان و نوجوانان پدید می آورند. ادبیات کودکان و نوجوانان نقش بسیار مهمی در رشد و تربیت افراد دارد. این نوع ادبیات با استفاده از داستان ها، شعرها و آثار هنری متنوع، به اطفال و نوجوانان کمک می کند تا بهترین شکل ممکن با دنیای پیرامون خود آشنا شوند و مهارت های ارتباطی، شناخت فرهنگ و تشویق خلاقیت در آن ها رشد کند. ادبیات کودکان و نوجوانان نقش موثری در تربیت اخلاقی و اجتماعی افراد نداشته و به آنها کمک می کند تا مفاهیمی مانند دوستی، همدلی، مسئولیت، احترام و پذیرش متفاوتی را درک کنند. این نوع ادبیات همچنین به کودکان و نوجوانان کمک می کند تا به خودشناسی بیشتری دست یابند و نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کرده و از این طریق بتوانند برای بهتر شدن خود تلاش کنند. پژوهش حاضر با روش کتابخانه ای و به شیوه ی توصیفی – تحلیلی نگاشته شده است و هدف از این پژوهش بررسی اهمیت ادبیات کودکان و نوجوانان می باشد.

کلید واژه ها: ادبیات، کودکان، نوجوانان، اهمیت

## مقدمه

بر خلاف آنچه تصوّر می‌شود، روزگار ما دوران کودک‌سالاری نیست و درواقع، تمدن امروز به کودک فرصت کودکی نمی‌دهد تا آنجا که دوران جدید را دوره زوال کودکی نام نهاده‌اند. سرعت فزاینده سوداگری و تولید بزرگ‌ترها را بر آن داشته است که کودک را هر چه زودتر وارد چرخه تولید کنند. همچنین بیم آنان از طغیان نسل نو باعث می‌شود که آزادی و رشد خلاقانه دوره کودکی را برنتابند (اقلیدی، ص ۵-۱۳). در چنین حالتی اهمیت ادبیات کودک و نوجوان، همچون عاملی برای رشد فرهنگ و استقلال، در شخصیت کودکان آشکارتر می‌شود. اهمیت ادبیات کودک، با توجه به این محورها، روشن‌تر خواهد شد:

الف. بچه‌ها آسیب‌پذیرند. اغلب به مقتضیات سنی خود، احساساتی، ظاهربین و ساده‌اند. اصولاً ذهن نقّادی ندارند و قضاوتهایشان بیشتر حسّی است. از این‌رو میزان آسیب‌پذیری آنان در برابر فراورده‌های فرهنگی بالاست.

ب. بچه‌ها تأثیرپذیرند. و این تأثیرپذیری هم عمیق‌تر و ماندگارتر و هم پرحاشیه‌تر از تأثیرپذیری بزرگ‌ترهاست؛ چنان‌که در حدیث نبوی نیز آمده است: *أَلْعَلِمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ*.

ج. جمعیت کودکان بیشتر است و آنان اوقات فراغت بیشتری دارند، به خصوص در کشور ما که ادبیات کودک و نوجوان بیشترین مخاطب بالقوه یا بالفعل را دارد.

## سبب فقر پژوهش در حوزه ادبیات کودک در چیست؟

اصولاً نظام آموزش دانشگاهی در ایران صورت گرا یا ظاهر بین است تا معنا گرا و درون بین. به همین دلیل است که پژوهش در نظام دانشگاهی ایران جای شایسته خود را ندارد. اصل گرفتن مدرک است و رسیدن به عنوان یا تیتراهای دانشگاهی. در حالی که فلسفه دانشگاه در کشورهای پیشرفته، پرورش پژوهشگر است، نه پیشکش کردن تیتراهای دانشگاهی. از همین نقطه روشن می‌شود که جامعه و دولت و حتی مردم ما به این دلخوش هستند که نزدیک دو میلیون دانشجو دارند، اما نتیجه آن چیست؟

کمتر دیده می‌شود که پژوهشگری از میان آن‌ها به جامعه معرفی شود. در ظاهر همه هم با روحی منفعل به این پدیده نگاه می‌کنند و در بسیاری موارد هم رضایت دارند. در چنین احوالی در شاخه‌هایی مانند رشته ادبیات که بسیاری از دانشگاه‌های ما بیش از نیم سده است که از آن بهره‌مند هستند، کارهای پژوهشی رنگ و بویی ندارد، صد البته که ادبیات کودکان که در ایران رشته‌ای جوان است و هنوز هم هیچ دانشگاهی چنین رشته‌ای را ندارد یا به رسمیت نمی‌شناسد، طبیعی است که فقر پژوهشی از سر تا پای ادبیات کودکان می‌بارد. موسسه‌های فرهنگی هم مانند وزارت ارشاد که باید متولی بخشی از کارهای پژوهشی باشند، بهتر است که واقعا این کار را انجام ندهند.

چون سبب آن رواج پدیده‌ای شده است به نام پژوهش‌های دولتی. پژوهش‌هایی که تنها با هدف گرفتن منابع مالی از سهم درآمدهای نفت انجام می‌شود و هیچگاه نیز با استانداردهای پژوهشی حتی در حالت‌های حداقلی مطابقت ندارد. و در نهایت پژوهش در این حوزه می‌ماند برعهده چند پژوهشگر منفرد و یا موسسه‌های اندک غیردولتی که باید این بار عظیم را بردوش بکشند. اما مگر توانایی‌های آن‌ها و منابع نداشته مالی آن‌ها چقدر است که بتوانند این راه را ادامه دهند؟ پس فقر پژوهشی سبب شده است که ادبیات کودکان ما از مرحله مانداب می‌گذرد و شاید روزی برسد که بگوییم به گنداب تبدیل شده است. امید که آن روز نیاید.

## مطالعات دانشگاهی



ادبیات کودک ایران در مقایسه با ادبیات کودک کشورهای دیگر حتی کشورهای در حال توسعه، از فقدان مطالعات دانشگاهی رنج می‌برد. هنوز از رشته مستقل ادبیات کودک خبری نیست و در اغلب دانشگاه‌های کشور جز چند واحد در حاشیه برخی از رشته‌ها چیزی به نام ادبیات کودک وجود ندارد و اگر از یک استثنا در دانشگاه شیراز بگذریم، می‌توانیم ادعا کنیم مطالعات دانشگاهی در حوزه ادبیات کودک وجود ندارد.

قضاوت درباره این وضعیت در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، اما میتوان رد پای از برخی گرایش‌ها دید که چندان، با دانشگاهی شدن ادبیات کودک و به تبع آن مطالعات دانشگاهی میانه‌ای ندارد و متقدند که ادبیات کودک امری غریزی است و باید از راه‌های دیگری در گسترش و تقویت آن کوشید و چه بسا دانشگاه‌ها به کیفیت آن نینجامد، اما از سوی دیگر اغلب با اشاره به تجربه‌های کشورهای دیگر به اهمیت نقش دانشگاه و مطالعات دانشگاهی تأکید می‌کنند. برای این افراد شاید نخستین پرسش این باشد که چرا در ایران مطالعات دانشگاهی در حوزه ادبیات کودک شکل نگرفته‌است و چه موانعی روی این پدیده قرار دارد.

### انواع ادبیات کودک و نوجوان

این ادبیات یا منثور است و مشتمل بر ادبیات داستانی (قصه، داستان)؛ ادبیات نمایشی (نمایشنامه، فیلمنامه)؛ نثر ادبی (قطعه ادبی، انشا) و یا غیرمنثور است و شامل شعر، قصه منظوم، منظومه.

قصه را در مفهوم کلی‌اش به انواعی تقسیم کرده‌اند: افسانه، افسانه تمثیلی، تمثیل اخلاقی، قصه، مثال، حکایت لطیفه‌وار، افسانه پریان، افسانه پهلوانان، رمانس و اسطوره. داستان را از حیث قالب، به داستان کوتاه و داستان بلند تقسیم کرده‌اند. پیداست که این انواع در ادبیات کودک و نوجوان متناسب با ظرفیت و حوصله و ذوق کودکان شکلی متفاوت با حوزه ادبیات بزرگسالان به خود می‌گیرد. در حوزه کودک، به علت علاقه مخاطب به تصویر، شکل داستانها نسبت به داستانهای بزرگسالان، متفاوت و اغلب مصور است.

### مهم‌ترین اهداف ادبیات کودک و نوجوان

مهم‌ترین اهداف ادبیات کودک و نوجوان عبارتند از:

۱. آماده کردن کودک برای شناختن، دوست داشتن و ساختن محیط.
۲. شناساندن کودک به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت انسانی و میل به اعتلای مدام.
۳. سرگرم کردن و لذت‌بخش بودن.
۴. علاقه‌مند کردن کودک به مطالعه و ایجاد عادت به آن.
۵. ایجاد و تقویت صلح در جهان.

### پیشینه ادبیات کودک و نوجوان در جهان

گفته‌اند که اگر ادبیات شفاهی را جزو ادبیات کودک بشماریم، می‌توانیم بگوییم که ادبیات کودک از نخستین لالیبهای که مادر غارنشین در گوش فرزندش زمزمه می‌کرده آغاز شده است؛ اما ادبیات کودک به مفهوم امروزی‌اش، از زمانی آغاز می‌شود که وارد کتابهای کودکان و نوجوانان شده باشد. برای تاریخ ادبیات کودکان چهار مرحله ذکر کرده‌اند:



## پیشینه ادبیات کودک و نوجوان در ایران

پیشینه این ادبیات را می‌توان چنین بخش‌بندی کرد: پیش از اسلام؛ پس از اسلام تا دوره مشروطه؛ پس از مشروطه تا ۱۳۴۰ش؛ از ۱۳۴۰ش تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش)؛ از ۱۳۵۷ش تا دو دهه بعد (۱۳۷۸ش).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا دو دهه بعد (۱۳۵۸-۱۳۷۸ش)

بررسی این دوره، به دلیل نزدیکی به زمان حاضر و نیز فراز و نشیب‌ها و پیچیدگی‌هایش دشوار است.

### در دهه اول پس از انقلاب

نویسندگان نسل جدید، بیشتر با تکیه بر تجربه‌های خود و نه تجربه‌های نسل پیشین و یا مطالعه نظریه‌های ادبی، جسورانه می‌نویسند و آثارشان گاه قوی اما اغلب خام است. در فضای جامعه انقلابی و دینی و در حال جنگ، بیشتر به موضوع مبارزه، مذهب، استقلال و وحدت و دفاع در برابر دشمن پرداخته می‌شود. اما رفته‌رفته توجه به ساختار ادبی و شکل هنری آثار جای محتواگرایی سالهای اول را می‌گیرد. هم در مضامین و هم در شیوه‌های ادبی تنوع ایجاد می‌شود. بنابراین، ادبیات کودک و نوجوان همچون شاخه‌ای تخصصی در حوزه ادبیات مورد توجه قرار می‌گیرد و بیشتر از چشم کودک به جهان نگریسته می‌شود.

### در دهه دوم

این‌گونه ادبیات به سوی حرفه‌ای شدن حرکت می‌کند. نخست نویسندگان و شاعران، تحت تأثیر انقلاب، جنگ و رویدادهای اجتماعی، بیشتر به طرف قالب واقع‌نما روی می‌آورند. اما به تدریج رویکرد به آثار «فانتزی» نیز رواج می‌یابد. همچنین بیش از گذشته، آثاری تألیفی در قالبی که «زمان نوجوان» نام می‌گیرد نوشته و ترجمه می‌شود.

به دلیل فضای انقلاب، بسیاری از نیروهای نسل جوان، فرصت و میدان می‌یابند که آثار خود را به صورت کتاب یا مجله منتشر کنند و، در مجموع، کیفیت و کمیت آنها را افزایش دهند. به موازات آن، توجه به ارزشهای بومی و گنجینه‌های کهن ادب ایرانی نیز تقویت می‌شود و بازنویسی و بازآفرینی ادبیات کهن رواج می‌یابد. همچنین، در کنار آفرینش آثار ادبی ناب، رفته‌رفته نوعی مخاطب‌محوری و اعتنا به خواسته‌های او نیز در میان نویسندگان شکل می‌گیرد و گاه آثاری با تلفیق هر دو گرایش نوشته می‌شود. این گرایش در برخی موارد از آفت سفارشی نویسی، شتاب و توجه بیش از حد به خواسته‌های بازار آسیب می‌بیند. در این دوره نسبت تألیف به ترجمه افزایش می‌یابد. برطبق آماری، این نسبت که در ۱۳۴۷ش، ۱۷٪ و در ۱۳۵۴ش ۲۷٪ بوده، در ۱۳۵۷ش به ۷۸٪ می‌رسد، اما به تدریج تعدیل می‌شود و در ۱۳۶۷ش به ۵۰٪ می‌رسد.

گروهی از داستان‌نویسان و شاعران پیش از انقلاب فعالیت خود را پس از انقلاب نیز ادامه می‌دهند و آثار قابل توجهی پدید می‌آورند. جریان نقد نیز، در سالهای نخست، نسبت به پیش از انقلاب، رشد می‌کند، اما این جریان هنوز حرکتی تأثیرگذار و حرفه‌ای نیست. نقد بیشتر بازخوانی، معرفی یا تحلیل ساده‌ای از کتاب است که گاه مخاطب آن خود کودکان یا نوجوانانند. به علاوه، نقد بیشتر بر داستان تمرکز دارد تا بر شعر و تصویر. از حدود سال ۱۳۷۳ش به بعد، جریان نقد، متأثر از تحولات اجتماعی، رو به رشد می‌گردد.

انتشار فصلنامه نظری پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان و ماهنامه نقد و اطلاع‌رسانی کتاب ماه کودک و نوجوان، که بی‌وقفه منتشر می‌شوند و همچنین شتاب گرفتن انتشار آثار پژوهشی در این عرصه، از رویدادهای قابل ذکر است.



نگرش همزمانی Synchronic و نگرش در زمانی Diachronic در تحلیل تاریخی ادبیات کودکان با نگاه ویژه به نقش عباس یمینی شریف در تاریخ ادبیات کودکان ایران:

نهاد ادبیات کودکان ایران پدیده‌ای مدرن است که فلسفه و سازه‌های آن از دوره مشروطه شکل گرفته و از آن پس با گذشت هر دهه پیشرفت‌هایی در حوزه‌های گوناگون داشته است. این نهاد از گونه نهادهای فرهنگی Cultural institution است که خصلت ثانوی یا پسا بنیادین Secondary institution نیز دارد. توضیح این که این نهاد به سبب سازوکارهای خود پدیده‌ای فرهنگی است و چون نسبت به نهادهای اولیه یا بنیادین Primary Institutions خانواده و آموزش و پرورش در موقعیت پسینی قرار دارد، بنابراین در دوره‌ای بلند از تاریخ چند هزار ساله خود که نهاد نبوده، تنها سازه‌ای از این نهادها به شمار می‌رفته است.

نهاد ادبیات کودکان ایران در این دوره صد و اندی ساله، با کوشش‌های فردی و سازمانی گروه‌های شخصی یا دولتی فلسفه و جایگاه خود را پیدا کرده است.

عباس یمینی شریف یکی از کسانی است که پیش از آن که در شکل‌گیری نهاد ادبیات کودکان در ایران نقش داشته باشد، در شکل‌گیری مولفه‌های مفهوم و نهاد کودکی مدرن در ایران نقش داشته و کوشیده است. با این همه آثار او که برای چند دهه در این زمینه و در زمینه ادبیات کودکان کار کرده و رنج برده بود، در دهه ۴۰ و ۵۰ که ادبیات کودکان ایران می‌رفت که چهره‌ای تازه بگیرد، مورد یورش‌های زبانی قرار گرفت و خوار شماره شد. در این کار دو نفر که خود چهره‌های برجسته دوران شدند، نقش داشتند، صمد بهرنگی و محمود کیانوش با نقدهای تند بر آثار او شالوده‌های این نگرش را پی ریختند. چرا این پدیده در حوزه ادبیات کودکان ایران رخ داد؟ آیا این موضوع ناشی از برخوردهای شخصی یا نقد خوش عیار و دادگرانه بود؟

نقش تاریخی یمینی شریف و کنش‌های صمد بهرنگی و محمود کیانوش، بیش از آنکه در حوزه جهان نویسنده و نقد و منتقد بگنجد، نشان دهنده موضوع شکافته نشده سازوکارهای پیچیده شکل‌گیری مفهوم و نهاد کودکی در ایران است. در این مورد نقش خود صمد بهرنگی نیز در شکل‌گیری مفهوم و نهاد کودکی مدرن در ایران قابل اعتنا است. همچنین نقد محمود کیانوش بر آثار یمینی شریف نیز بیش از همه برآمده از زایش دو ران بلوغ در شعر کودک در دهه ۵۰ است. بنابراین این دو تن که خود نقش سازنده‌ای در تحول مفهوم و نهاد کودکی در ایران داشته‌اند، به سبب اینکه در این تحول خود را می‌دیدند و نه دیگری را، فاقد درک در زمانی از تحلیل پدیده‌های تاریخی بوده‌اند. از نگاه دیگر، آن‌ها گذشته‌ای را که خود بر دوش آن سوار بوده‌اند، محکوم کرده‌اند.

شاید در منطق دیالکتیک این معنای نبرد کهنه و نو و زایش نو از دل کهنه را معنا بدهد که در حقیقت این گونه نیز می‌تواند باشد. اما برای رسیدن به یک پاسخ تاریخی که جایگاه یمینی شریف را در تحول مفهوم و نهاد کودکی و ادبیات کودکان آشکار کند، نیاز است که ریشه‌های این رفتار شکافته شود. ریشه‌شناسی این رفتار ممکن نیست، مگر اینکه ابتدا نگرش تحلیلی به این موضوع روشن شود. در تحلیل پدیده‌های تاریخی همواره می‌توان دو نگرش داشت. نخست اینکه آن پدیده را از زمانی که در آن رخ داده است، خالی کنیم و با نگاه امروزی یا همزمانی Synchronic attitude تحلیل کرد، یا اینکه پدیده را در بستر تاریخی آن تحلیل کرد که به این نگرش Diachronic attitude گفته می‌شود. در تحلیل‌های تاریخی که در ایران در حوزه ادبی صورت گرفته است گاهی نگاه همزمانی جایگزین نگاه در زمانی می‌شود. در دهه گذشته، به نقد کشیدن اندیشه‌های فردوسی از سوی شاملو، تحلیل همزمانی این آثار بود. به گونه‌ای که شاملو با اندیشه‌ها و سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه خود، جامعه و اندیشه فردوسی را نقد کرد و سبب



سروصدای فراوانی شد. در این مورد ادبیات کودکان هم از این گونه نقد و تحلیل بی نصیب نمانده است. بی گمان یکی از کسانی که در در تحلیل‌های همزمانی دستاویز ستیز و خوارشماری قرار گرفت، عباس یمینی شریف بود.

اندیشه‌ها و آثار هنری او برای کودکان به ناحق از سوی صمد بهرنگی و محمود کیانوش به نقد بیرحمانه گرفته شد و توانایی و استعداد او خوار شمرده شد. چنین کاری از دو زاویه و دیدگاه قابل بررسی است. نخست اینکه از زاویه اخلاقی آن را بکاویم و آن را نشانه‌ای از فروپاشی اخلاق نقد در جامعه بدانیم. این گونه دیدگاه بیشتر ارزشگرا است و فاقد مولفه‌های علمی. زیرا زندگی و رفتار صمد بهرنگی و محمود کیانوش نشان می‌دهد که آن‌ها خود انسان‌های وارسته‌ای بوده‌اند که همواره در زندگی از این گونه رفتارها پرهیز داشته‌اند. چنین نگرش اخلاق گرایانه‌ای راه به جایی نخواهد برد. اما دیدگاه و نگرش تحلیل همزمانی و درزمانی نه تنها می‌تواند علت‌های این نقدهای بی بنیاد را کشف کند، بلکه از سوی دیگر می‌تواند شالوده‌های تفکر تاریخی را در حوزه ادبیات کودکان ایران استوار سازد.

موضوع نگاه همزمانی و درزمانی در مطالعات تاریخی، برگرفته از تحول در علم زبانشناسی است که در ابتدای سده بیستم رخ داد. در این نگاه به زبان به عنوان موضوعی تاریخی نگاه می‌شود. کاشف این وضع فردیناند سوسور زبان شناس برجسته یا پدر علم زبانشناسی مدرن است. با توجه به زمان زندگی او که در اواخر سده نوزدهم و بیستم بود و تاثیری که از جامعه شناسی امیل دورکیم گرفته بود، پی برد که پدیده‌های اجتماعی و زبانی را می‌توان در دو برداشت همزمانی و اکنونی، بدون توجه به تحولات تاریخی که پشت سرگذاشته‌اند یا برداشت در زمانی و تاریخی بررسی کرد.

نگرش انتقادی به این موضوع می‌تواند بیانگر این باشد که در دوره‌ای که این دو نقد در جامعه ایران سرازیر شد، جامعه ایران در شور احساسات غرق و از تنگناهای تفکر انتقادی در رنج بود. زبان صمد بهرنگی در پایین کشیدن یمینی شریف نشان دهنده کم مایگی عقلانیت انتقادی در جامعه‌ای بود که کم خود را در شور احساسات انقلابی غرق می‌کرد. صمد بهرنگی این ادبیات را از جلال آل احمد آموخته بود. آل احمد نیز این نگاه را که آمیخته‌ای از فرهنگ چپ استالینیستی، غرب ستیزی فردیدی و سنت‌های مذهبی خانوادگی بود، خود در سال‌های پرشور زندگی از جامعه برگرفته بود. این گونه نقد بیش از همه نشان می‌داد که جامعه با پرچمداران تحول خود نامهربان بود.

یکی دیگر از دلایل این نگرش در جامعه ایران، مطلق بینی یا سیاه و سفید دیدن پدیده‌ها است که خود از نشانه‌های روشن ضعف عقلانیت انتقادی است. اگر کسی در جایی نقطه ضعفی داشت، باید بدون توجه به نقش او در شکل گیری پدیده‌ها و بنیادهای مدرن به کنار گذاشته می‌شد. این مطلق بینی را در نگاه کیانوش می‌توانیم ببینیم.

در آغاز دهه ۵۰ محمود کیانوش نیز به عنوان شاعری نام‌آور و توانا به نقد شعرهای یمینی شریف پرداخت و با نگاهی همزمانی، همه ی عوامل تاریخی را از آثار یمینی شریف کنار زد و او را کسی دانست که بدون استعداد لازم به کار شاعری کودکان پرداخت: رفته رفته از میان کسانی که دل به تعلیم و تربیت کودک سپرده بودند تنی چند به نیاز عمیق کودک امروز به شعر پی بردند و خود به ساختن شعر ویژه کودک پرداختند. جبار باغچه بان و عباس یمینی شریف از آن جمله بودند، که اولی پاکدل و بی ادعا بود و دوستدار واقعی کودک، و می‌کوشید که چیزهایی شعر گونه برای کودکان در حد نیازی که خود در باغچه اش به آنها داشت، بسازد. و اما دومی هرگز باور نکرد که شاعر نیست و آنچه که می‌سازد نه شعر است، نه حتی وسیله‌ای برای سرگرمی کودکان چنانکه انتظارشان را از شعر گمراه نکند و بتوانند می‌ان آگهیهای منظوم بازرگانی و شعر تفاوتی بگذارند، و باز باور نکرد که قبول او نشانه خالی بودن می‌دان





بود، نه پهلوانی او. اما به هر حال او و امثال او هم جای خود را دارند در آغاز کردن کار، آغاز کنندگان، بیمایه و مایه ور، شایسته احترامند، مایه و رانشان می‌مانند و بیمایگان‌شان می‌روند.

کیانوش فرض را بر این گذاشته بود، که جامعه در دهه بیست و سی باید یک کیانوش یا همسان کیانوش در شعر کودک خلق می‌کرده است. اما چرا جامعه ایران به راستی در دهه بیست و سی شاعری مانند کیانوش برای کودکان ایرانی خلق نکرد؟ پاسخ به این پرسش نیز نشان دهنده این است ادبیات کودکان که در آن دو دهه به نهاد تبدیل نشده بود، ظرفیت خلق چنین کسی را در شعر کودک نداشت، این نداشتن ظرفیت یا به گفته کیانوش خالی بودن می‌دان، تنها به موضوع فرد شاعر بر نمی‌گردد، بلکه ظرفیت‌های جامعه و آموزش و پرورش بیش از همه در پیدایش این پدیده موثر بوده است. حتی می‌توان کمی موضوع را بیشتر گسترش داد. در دهه ۴۰ و ۵۰ تنها دو نام در عرصه شعر کودک می‌درخشیدند.

اما چند دهه بعد شعر گفتن به سبک و شیوه این دو شاعر، به پدیده‌ای رایج تبدیل شد. نگرشی از گونه کیانوش، بر مبنای تحلیلی که برپایه آن این مقاله نوشته شده است، جابه جا کردن نگرش همزمانی با نگرش در زمانی است که خود به پدیده‌ای دیگر می‌رسد که به آن نابه جایی تاریخی *Anachrony* گفته می‌شود. نابه جایی یا پریشان زمانی در تحلیل موقعیت تاریخی آثار ناگواری بر جامعه ما گذاشته و می‌گذارد. به گونه‌ای که کنش‌ها و کوشش‌های پیشگامان شکسته و کم ارزش جلوه داده می‌شود. به راستی اگر با نگاه همزمانی به آثار نمایشی یا شعری جبار باغچه بان نگاه شود، چه نامی به این آثار داده می‌شود؟ بزرگترین مشکل یمینی شریف این بود که در جای خود و در زمان خود دیده نشد، بلکه از قاب زمان خود بیرون آورده شد و در قاب زمانه دیگری سنجیده شد. مشکل کیانوش در این بود که خالی بودن می‌دان را تنها در چارچوب فرد می‌دید و نمی‌دانست آنچه که به عنوان نهاد ادبیات کودکان شکل می‌گرفت، بیش از آنکه نقش فرد در آن موثر باشد، نقش جامعه در آن موثر بود. به سخن دیگر و از جنبه معنا شناسی متن‌ها را زمینه‌های اجتماعی متن‌ها *Context* به وجود می‌آورند. آن متن‌هایی که یمینی شریف خلق کرده است، نتیجه زمینه‌های اجتماعی متنی است که در آن متن خلق شده است. صمد بهرنگی و کیانوش در زمینه‌های متنی دیگری به خلق اثر پرداختند. شوخی یا بیرحمی زمانه این است، که امروزه آثار صمد بهرنگی گاهی به همان شیوه‌ای به نقد گذاشته می‌شود که خود دیگری را نقد کرده بود. که البته این نگاه همزمانی به آثار او نیز ناپخته و ناشی از بی تجربگی است. شاید روزگاری دیگر نیز با آثار شعری کیانوش این گونه برخورد شود.

با توجه به محدود بودن نقش فرد و گستردگی نقش زمینه متنی، عباس یمینی شریف در کدام زمینه متنی رشد کرد. عباس یمینی شریف یکی از سازندگان نهاد کودکی مدرن در ایران، همه زندگی اش را در راه شناخت این کودکان و تحول در نگاه به مفهوم کودکی و بهبود اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن‌ها گذاشت. اگرچه او در این راه یگانه نبود، اما در موقعیت دشواری قرار داشت. این موقعیت دشوار شامل حال همه کسانی می‌شد که کودکان پس از انقلاب مشروطه بودند. در این دوره نوگرایی سیاسی که حکومت قانون و مردم سالاری بود، اگرچه رو به خاموشی می‌رفت، اما نوگرایی در چهره‌های اجتماعی و فرهنگی از هر سو زبانه می‌کشید و راه خود را باز می‌کرد. یکی از جنبه‌های نوگرایانه‌ای که گروهی از پیشگامان دوره مشروطه آغاز کردند و به فرزندان خود در دوره بعد سپردند، تحول در مفهوم و نهاد کودکی در ایران بود. اگر پدران و مادران نسل یمینی شریف‌ها در دوره مشروطه کوشش کردند، گره‌های سیاسی و اجتماعی در راه حکومت قانون و ساخت سازه‌های نوگرایانه را باز کنند، اما به عمق رساندن این پدیده به دست آن‌ها ممکن نبود و باید این کار در دوره بعدی از تاریخ انجام می‌شد. دوره رضاشاه، اگرچه درهای تحول خواهی سیاسی بسته ماند، اما درهای تحول خواهی اجتماعی با شتاب هر دم فزاینده رو به باز شدن گذاشت.



در تحول خواهی اجتماعی، بنیاد کار بر آموزش و پرورش استوار است و از این رو کار با کودکان از اهمیتی فراوان برخوردار است. این تحول خواهی بیش از همه خود را در راه اندازی مدرسه‌های نو نشان می‌داد. مدارس که البته در آن زمان با خواست عموم مردم همگام نبود و گوشه‌هایی از بازدارنده‌های نوگرایی را در این سرزمین نمایش می‌داد. در این باره خود یمینی شریف می‌گوید: مدرسه‌های آن زمان برخلاف مکتبها با جامعه هماهنگ نبودند و نوعی دوگانگی بین مدرسه و جامعه وجود داشت. مدرسه به علل مختلف نمی‌توانست با جامعه بجوشد و یکی شود و خواسته‌های جامعه را برآورد. البته در آن زمان تباین بین جامعه و مدرسه به شدت چند دهه بعد نبود. ولی به هر حال یکدل و یک سو نبودند.

پس نخستین کار این گروه از نواندیشان همساز کردن سامانه آموزش و پرورش با جامعه بود. کاری که خود بخود به خانواده و دگرگونی در آن ره می‌سپرد.

با این همه یمینی شریف که در دو دهه ۴۰ و ۵۰ زیر فشار گرایش‌های تندروانه با تحلیل‌های همزمانی و در نتیجه نابه جایی زمانی یا پریشانی زمانی *Anachrony* قرار گرفت، در گفت و گو با روزنامه اطلاعات سال ۱۳۵۲ دغدغه‌های خود را از روند بازدارنده‌های ادبیات کودکان این گونه بیان کرد: اکنون باید بنفع کشور و فرزندان کشور و به سود توسعه و ترقی این رشته از ادبیات فعالیت‌های شایسته‌ای انجام گیرد.

ادبیات کودکان را در خط خود بیندازند و سادگی و صراحت و سلامت و روانی را در این آثار حفظ کنند و ادبیات کودکان را مانند خود کودکان پاک و ساده و بی‌آلایش نگاه دارند.

ادبیات کودکان را گودال تخلیه عقده‌های وجود نکنند و آنچه را که از ناراحتی و غم و یاس و بدبختی و نفرت دارند در قالب کلمات مبهم و جملات پیچیده که بیشتر به لغز و معما شبیه است تا به داستانی یا شعری برای کودکان نریزند و دیگران را هم به پیروی از خود دعوت نکنند اگر دردی دلازار و غمی جانکاه دارند، از وضع روزگار و اوضاع خود ناراضی اند، در کارهای خود شکست خورده و خیال گله و اعتراض و شکوه و شکایت دارند، آنها را در قالب نوشته‌هایی برای بزرگسالان بریزند و دست از سر ادبیات کودکان بردارند. کودک را با نوشته‌ها و محصولات فکر و دست خود امیدوار و خوش بین بار آوریم تا بتوانیم به آینده‌ای که دوران شکوفا شدن قدرتها و استعدادهای این نسل است خوش بین و امیدوار باشیم.

و در نهایت نگاه خود را به ادبیات کودکان و نقش آن در تحول جامعه چنین بیان کرد: ادبیات کودکان پدیده‌ای است بسیار مهم و زیر بنای تحولات ذهنی و فکری و اجتماعی و علمی آینده کشور. ادبیات کودکان در ایران که طی نیم قرن اخیر به وجود آمده به سرعت توسعه یافته و به پیشرفت غیر منتظره‌ای نائل آمده است.

و در پایان باید گفت ادبیات کودکان ایران با همه نامهربانی‌ها و فشارهای بیرونی که در این چند دهه متحمل شده است، به همین سطح از رشد نیز نمی‌رسید، اگر پیشگامانی چون عباس یمینی شریف سازه‌های آن را درست در جای خود استوار نمی‌کردند.

تشدید ممیزی در ادبیات کودک، مشی حاکم دولت کنونی است

علی اصغر سید آبادی در صحنه ادبیات کودک چهره‌ای آشناست. او که اکنون دبیر گروه فرهنگ و هنر روزنامه اعتماد ملی و دبیر تحریریه و عضو هیات علمی پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان است، تا به حال چند کتاب داستان و شعر منتشر کرده است. گفتگوی ما را با او بخوانید:





دوپیچه وله: آقای علی اصغر سید آبادی، شما به عنوان پژوهشگر رشته ادبیات کودکان و نوجوانان، وضعیت کنونی این ادبیات را در ایران چگونه می‌بینید؟

علی اصغر سید آبادی: از دو زاویه کلی در این زمینه می‌توانیم حرف بزنیم: یکی از زاویه بنیادهای نظری ادبیات کودک ایران و دیگری از منظر بازار کتاب های کودک و نوجوان که البته این هر دو به هم وابسته اند و درهم تاثیرگذار. آفرینش یا تولید ادبیات کودک در ایران یا هر جایی، وابستگی زیادی به تلقی از مفهوم کودکی دارد. زیرا بازار کتاب کودک را نیز همین تلقی شکل می‌دهد. از این زاویه اگر بخواهیم به موضوع نگاه کنیم هنوز جریان بزرگ ادبیات کودکان ایران را تلقی سنتی از کودکان شکل می‌دهد که اتفاقاً دولت نیز پشتیبان چنین جریانی است.

### ادبیات کودک و نوجوان در ایران

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم ایرانیان از قدیم به امر تربیت کودک توجه ویژه‌ای قائل بوده‌اند و آن را یکی از وظایف مهم والدین می‌دانسته‌اند، به‌طوری که کمتر نوشته ادبی را می‌توان یافت که به تربیت کودک و ضرورت آن اشاره نکرده باشد. لکن نقطه ضعفی از دیدگاه روان‌شناسی و آموزش و پرورش در آنها دیده می‌شود، این است که در تمام آنها کودک کوچک‌شده بزرگ‌سالان پنداشته‌شده، و به آینده کودک بیش از حال او توجه شده است؛ به همین سبب ادبیات کودکان به معنا و مفهومی ما امروز از آن داریم در ایران کاملاً تازگی دارد و شاید تاریخ آن به ربع قرن بیشتر تجاوز نکند.

نخستین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان به نام «نصاب‌الصبيان» توسط ابونصر فراهی در قرن هفتم تدوین شد. فراهی با توجه به حافظه نیرومند کودکان و دل‌بستگی آنان به شعر، واژه‌هایی را در شعرهای نصاب‌الصبيان گرد آورد تا کودکان با از بر کردن آن اشعار، واژه‌های عربی هر شعر را به یاد بسپارند. وی همچنین در لابه‌لای شعرهای کتاب، آگاهی‌هایی درباره‌ی قرآن کریم، اصول دین، نام‌ها و القاب پیامبر، امامان شیعه، بیماری‌ها و ماه‌های سال و... گرد آورده است. این فرهنگ‌نامه‌ی کوچک بیش از هفت قرن است که بر زانوی اطفال مسلمان ایران و ماوراءالنهر و هندوستان و ترکیه قرار داشته است و ظاهراً نخستین کتابی است که پس از قرآن کریم برای آموختن زبان عربی برای کودکان به کار می‌رفته است.

### جمع‌آوری داستان‌های عامیانه ایرانی

کسی که برای اولین بار داستان‌های عامیانه‌ی ایرانی را مخصوصاً جمع‌آوری و منتشر کرد، «ابولفضل صبحی مهتدی» بود. لازم است اشاره شود که صبحی نخستین کسی نبود که به جمع‌آوری ادبیات عامیانه در ایران اقدام کرد، بلکه سال‌ها قبل از او «صادق هدایت» این کار را کرده بود؛ ولی صبحی کسی بود که ادبیات عامیانه را برای کودکان و نوجوانان جمع‌آوری نمود و در واقع از این نظر کارش را می‌توان هم‌ردیف کار «برادران گریم» در آلمان و «شارل پرو» در فرانسه دانست.

### ادبیات مشروطه

قبل از آن که ادبیات نوین کودک در ایران پایه‌گذاری شود، زمینه‌های آن در دوره‌ی مشروطه ایجاد و فراهم شد. تحول مهمی که در ادبیات مشروطه اتفاق افتاد، گرایش و حرکت شعر از دربارها و خواص بین مردم و عوام بود. این حرکت کلی در زبان شعر، مضامین و محتوا و دیگر جوانب آن تأثیر گذاشت. در بین اشعار این دوره شعرهای کودکان نیز یافت می‌شوند. اگرچه این شعرها هنوز از فضای



پند و اندرز پدرانه برای کودک خالی نیست، اما به‌هرحال نخستین گام‌هایی است که به سوی ادبیات کودک برداشته می‌شود. از جمله‌ی این شاعران می‌توان به ایرج میرزا (۱۳۴۳-۱۲۹۱ ه.ق) اشاره کرد. وی را شاید بتوان اولین شاعری دانست که اشعاری برای کودکان و در خور فهم ایشان سروده است. غیر از او حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی (۱۲۷۹ ه.ق - ۱۳۱۸ ه.ش) از روشنفکران دوره‌ی مشروطه، مهدی قلی‌خان هدایت (مخبر السلطنه)، محمدتقی ملک‌الشعراى بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۶ ه.ش)، نیما یوشیج اشعاری برای کودکان سروده‌اند.

## ادبیات نوین

پایه‌گذاری ادبیات نوین کودکان از آذربایجان و جبار عسکرزاده (باغچه‌بان) شروع شد. او در سال ۱۲۶۴ ه.ش به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۵ درگذشت. بزرگ‌ترین ابتکار او انتخاب وزن‌ها و و قالب‌هایی نزدیک به ترانه‌های عامیانه است.

در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ نویسندگان و شعراىی دست به خلق آثاری زدند؛ مانند یحیی دولت‌آبادی، صنعتی‌زاده کرمانی (مؤلف کتاب رستم در قرن بیستم)، عباس یمینی شریف. در همین زمان مترجمانی چون علی‌نقی وزیری و مهری آهنی، افسانه‌های عامیانه‌ی ملل مختلف را به فارسی برگرداندند. مجله‌ها و روزنامه‌ها نیز صفحاتی به کودکان اختصاص دادند. از سال ۱۳۳۲ گروهی به انتشار مجله‌ی «سپیده‌ی فردا» همت گماشتند و ضمن آشنا ساختن مربیان با اصول تربیت نوین، مسئله‌ی ادبیات کودک را مطرح ساختند. در سال ۱۳۳۸ همین مجله فهرست کتاب‌های مناسب کودکان و نوجوانان را برای اولین بار منتشر نمود. در همین سال‌ها سیل ترجمه از ادبیات کودکان جهان به سوی کودکان ایران سرازیر شد.

## ادبیات کودک در دهه ۵۰ و ۶۰

ادبیات کودک در دهه‌ی ۵۰ و ۶۰ سرعت بیشتری یافت. رشد روزافزون جمعیت و جوان شدن آن، و بالا رفتن درصد دانش‌آموزان و بهبود نسبی اوضاع اقتصادی، توجه به کودکان و نوجوانان را افزایش داد. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هشیاری اجتماعی کودکان ایرانی را بالاتر برد و بر وسعت تجربه‌های آنان افزود و زمینه‌های دیگر را برای کار نویسندگان و شاعران فراهم نمود. در این این دو دهه مخصوصاً پس از انقلاب، صحبت از یک شاعر و یک نویسنده یا یک تصویرگر نیست. در همه‌ی زمینه‌ها رشد و گسترش مشاهده می‌شود و خواه‌ناخواه درصد کارهای نامناسب و مبتذل نیز فزونی یافت و همزمان با آن سخت‌گیری و جدیت بیشتری در زمینه‌ی نقد کتب کودکان به وجود آمد. در این ایام به اسامی علی اشرف درویشیان، فریدون دوست‌دار، رضا رهگذر، قدسی قاضی‌پور و به خصوص هوشنگ مرادی کرمانی برمی‌خوریم.

## ادبیات کودک در دهه ۷۰

ادبیات کودکان در دهه‌ی ۷۰ همراه با تعمیق برنامه‌های دهه‌های گذشته، ورزیدگی در اجرای فعالیت‌ها، تسهیل ارتباطات بین‌المللی علاوه بر دستیابی به اطلاعات، حضور ادبیات کودکان و نوجوانان ایران و فعالان این زمینه را در عرصه جهانی پررنگ‌تر نمود. در این دهه، فعالیت شامل حال همه کودکان و نوجوانان شد؛ از کودکان معلول - که آغاز فعالیت برای آنها در دهه‌ی قبل است - تا کودکان پناهندگان به ایران یا کودکان کانون اصلاح و تربیت. یکی از اقدامات اساسی و اصولی این دهه، تهیه و تدوین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان توسط شورای کتاب کودک است که در تابستان ۱۳۷۹ جلد ششم آن نیز منتشر شد. آغاز تهیه‌ی «تاریخ ادبیات کودکان و نوجوانان» نیز این دوره است.



## نقش دولت در این ماجرا چیست؟

دولت سالانه بودجه زیادی را صرف خرید کتاب از ناشران برای عرضه در نمایشگاه‌های مدارس می‌کند که این نمایشگاه‌ها در انحصار یک یا چند ناشر وابسته به آموزش و پرورش است و به خاطر خرید با تیراژ بالا، ناشران این حوزه تلاش زیادی می‌کنند تا کتاب‌هایشان مورد پسند این برنامه قرار بگیرد که هر سال در ماه آبان معمولاً برگزار می‌شود و این تلاش منجر به ممیزی مضاعفی می‌شود و به تقویت ناشرانی می‌انجامد که مطلوب‌های دولت را رعایت می‌کنند و حجم عمده کتاب کودکان از این همین مسیر به دست کودکان می‌رسد.

این بازار غیر طبیعی باعث شده است که جهت و افقی برای ادبیات کودک تعیین شود که جا را برای ادبیات مستقل این حوزه تنگ می‌کند.

بسیاری از کتاب‌ها به این بازار راه پیدا نمی‌کنند و به این خاطر که بازار طبیعی وجود ندارد عملاً از توزیع باز می‌مانند و راه نشرشان بسته می‌شود. به خصوص که در دولت جدید حمایت‌های عامی که از نشر به شکل خرید کتاب و اعطای تسهیلات از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بدون توجه به محتوا و نوع کتاب و ناشرش صورت می‌گرفت، اکنون جای خود را در وزارت ارشاد جدید به حمایت‌های خاص داده است که شامل حال همه نمی‌شود و روزه‌ای را که برای انتشار کتاب‌های مستقل می‌توانست باقی بماند بسته است. با این حال این به این معنا نیست که ادبیات کودک مستقل متوقف شده است.

ضمن این که گاهی درمیان کتاب‌های ناشران دولتی نیز می‌توان کتاب‌های خوب یافت، پیدایش برخی از کتابفروشی‌های بزرگ در دهه اخیر و توجه بیش‌تر به کتاب کودک باعث شده است که بازار مستقل و کوچکی برای ادبیات مستقل نیز گشوده شود.

## آیا این رشته در ایران به طور حرفه‌ای دنبال می‌شود؟

اگر منظور از حرفه ای بودن سطح کیفی آن باشد، به نظرم جواب بله است. با همه آن چه گفتیم و نقدهای دیگری که می‌توانیم بر ادبیات کودک ایران وارد کنیم، ادبیات کودک ایران در مقایسه با ادبیات کودک بسیاری از کشورها، جایگاه بالاتری دارد و حتی در سطح بین‌المللی نیز دستش چندان خالی نیست و به خصوص از نظر تصویرگری کتاب کودک که عاملی تعیین‌کننده در ادبیات کودک و خردسال است در سطحی بسیار خوب قرار دارد.

اما اگر حرفه ای بودن را مفهومی اقتصادی بدانیم، به آسانی نمی‌توانیم جواب بله بگوییم و اما و اگرهای بسیاری دارد و به طور کلی می‌توانیم بگوییم که زندگی کردن از راه نوشتن کتاب کودک در ایران بسیار دشوار است. اگر چه برخی از نویسندگان ایران بر این دشواری‌ها فائق آمده‌اند و البته تعداد تصویرگرانی که بر این دشواری پیروز شده‌اند، بسیار بیش‌تر است. به خصوص آنانی که به بازارهای جهانی دست یافته‌اند و از ناشران خارجی سفارش می‌گیرند یا اگر به سفارش ناشرانی نیز کار کنند، احتمال خرید کتابشان توسط ناشران غیر ایرانی وجود دارد.

## چه نقاط ضعف و قوتی در این ادبیات می‌بینید؟

به نظرم در این رابطه آن چه اهمیت بیش‌تری دارد، این است که نهادهای غیردولتی از روند تصمیم‌گیری‌ها درباره سرنوشت خودشان حذف شده‌اند. به نظر من حتی اگر بخواهیم فهرستی از نقاط ضعف و قوت ادبیات کودک را تدوین کنیم، بدون حضور نهادهای غیردولتی ممکن نیست.



## برای بهتر شدن این رشته چه پیشنهادهایی دارید؟

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان ایران چند سال پیش یک کار تحقیقی انجام داد با عنوان سیاست های دهه ۸۰ کتاب کودک در ایران که در واقع پیشنهادهایی این انجمن بود به تمام نهاد های مرتبط با ادبیات کودک واز جمله دولت که متأسفانه مورد توجه قرار نگرفت. تحلیل وضعیت کتاب کودک ایران در دهه ۷۰ و تدوین فهرست نقاط ضعف و قوت و فرصت ها و تهدیدهای این حوزه، بخشی از این کار بود و سپس ۱۳ پیشنهاد برای رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت ارائه شده بود که از جملهی آنها، تشکیل شورایی متشکل از نهادهای غیردولتی و دولتی این حوزه برای سیاست گذاری در حوزه کتاب، لغومیزی پیش از چاپ، اصلاحاتی در آموزش و پرورش و نحوه توزیع کتاب در آن و... بود. به نظر من این پیشنهاد ها تا اطلاع ثانوی، پیشنهاد های فکر شده و خوبی است که بهتر است پس از بحث و بررسی در شورایی متشکل از نهادهای غیردولتی به اجرا گذاشته شود.

## نتیجه گیری

ترکیب «ادبیات کودکان و نوجوانان»، خود از دو بخش «ادبیات» و «کودکان و نوجوانان» تشکیل شده است. آنچه بخش اول این ترکیب به آن اشعار دارد، «خصایص ادبی» موضوع است؛ و بخش دوم آن، بر ویژگی های «روان شناختی و تربیتی» این مقوله تأکید دارد. به این ترتیب، می توان گفت: «ادبیات کودکان و نوجوانان»، «ادبیاتی» است که آگاهانه و عالمانه، در چارچوب یک سلسله اصول علمی مورد قبول اهل فن در رشته روان شناسی و تعلیم تربیت این گروه های سنی آفریده شده است. یعنی یک مقوله «ادبی-علمی» است.

به عبارت دیگر، پدیدآورندگان آن، علاوه بر داشتن توانایی آفرینش ادبی به مفهوم عام آن، در سطح قابل قبول، باید دارای دانش و آگاهی لازم در زمینه روان شناختی و علوم تربیتی مربوط به مخاطبان آثار خود نیز باشند. علم و آگاهی مذکور، می تواند «نظری»، «تجربی» یا «شهودی» (برخورداری از قدرت ارادی، یادآوری نوع نگرش، زبان و عوالم خاص کودکی و نوجوانی) باشد. گرچه بهترین شکل آن، برخورداری توأمان نویسنده یا شاعر کودکان و نوجوانان، از هر سه این موهبت هاست.

ادبیات کودکان و نوجوانان شامل کتاب هایی است که برای خوانندگان جوان سن تهیه شده اند و به داستان ها، شعرها و نوشته ها اختصاص دارد که به آنها سرگرمی و سرزندگی می بخشد. این نوع ادبیات معمولاً موضوعات و قضایایی را مطرح می کند که به افزایش دانش، تفکر و اندیشه کودکان و نوجوانان کمک می کند.

کتاب ادبیات کودکان و نوجوانان معمولاً به زبان ساده و قابل فهم برای خوانندگان جوان نگارش می شوند و بیش از هر چیز هدف آنها ارتقاء تفکر و اندیشه و همچنین آموزش اخلاقی و ارزشی به کودکان و نوجوانان است. این نوع ادبیات می تواند به تقویت مهارت خواندن و نوشتن کمک کند و همچنین به افزایش تخیل و خلاقیت جوانان کمک می کند.

به طور کلی، اهمیت ادبیات کودکان و نوجوانان در این است که این نوع ادبیات به آنها کمک می کند تا بهترین نسخه از خودشان را پیدا کنند، هویت و شخصیت خود را شکل دهند و به سوی رشد و پیشرفت در زندگی بروند، این امر باعث می شود که جامعه ای بهتر و خردمندتر بسازیم

## منابع و مآخذ:

گذری بر ادبیات کودکان، ایمن، لیلی (و دیگران)؛ نهران، شورای کتاب کودک، بی تا و چاپ اول، ص ۳.

- ادبیات کودکان، شعاری نژاد، علی اکبر؛ تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۰، چاپ پانزدهم، ص ۳۷.
- تاریخ ادبیات کودکان ایران، محمدی، محمدهادی؛ و قائینی، زهره؛ تهران، بنیاد پژوهش‌های تاریخ کودکان ایران، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۹۸-۲۰۱.
- ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها، حجازی، بنفشه؛ تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵، چاپ نهم، ص ۳۱.
- تاریخ ادبیات کودکان ایران، محمدی، محمدهادی؛ و قائینی، زهره؛ تهران، بنیاد پژوهش‌های تاریخ کودکان ایران، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۰.
- تاریخ ادبیات کودکان ایران، محمدی، محمدهادی؛ و قائینی، زهره؛ تهران، بنیاد پژوهش‌های تاریخ کودکان ایران، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۰.
- کودکان و ادبیات رسمی ایران، هاشمی نسب، صدیقه؛ تهران، سروش، ۱۳۷۱، چاپ اول، ص ۲۲.
- ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها، حجازی، بنفشه؛ تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵، چاپ نهم، ص ۴۰.
- دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، انوشه، حسن؛ تهران، سمت، ۱۳۷۶، چاپ اول، ج ۲، ص ۶۵.
- ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها، حجازی، بنفشه؛ تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵، چاپ نهم، ص ۴۵.
- ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها، حجازی، بنفشه؛ تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵، چاپ نهم، ص ۴۶.
- دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، انوشه، حسن؛ تهران، سمت، ۱۳۷۶، چاپ اول، ج ۲، ص ۵۹.
- poetry .com [www.iran](http://www.iran)
- [www. pazhuhesh-nameh .com](http://www.pazhuhesh-nameh.com)
- [mohammadilib .blogfa .com](http://mohammadilib.blogfa.com)
- [www .dw-world .de](http://www.dw-world.de)
- [www .mehrnews .com](http://www.mehrnews.com)
- [www . deutschewe .com](http://www .deutschewe .com)

## The importance of children and youth literature

Jamile Zahedi

Bachelor of Persian language and literature

### Abstract

Literature in any country forms the foundation of society and is the basic need of every person to work and communicate with others. Children's and adolescent literature refers to writings and literary compositions especially for children and adolescents. This type of literature includes a part of popular oral culture, such as lullabies, parables, stories, and stories, plays, and poems, as well as writings in the field of religion, social knowledge, science and its applications, art, and entertainment, which are written by writers and composers. They create for children and teenagers. Literature for children and teenagers plays a very important role in the growth and education of people. This type of literature, by using stories, poems and various works of art, helps children and teenagers to get to know the world around them in the best possible way and to develop their communication skills, knowledge of culture and encouraging creativity. Children's and teenagers' literature plays an effective role. In moral and social education of people, it helps them to understand concepts such as friendship, empathy, responsibility, respect and acceptance of differences. This type of literature also helps children and teenagers to gain more self-awareness and to identify their strengths and weaknesses, and in this way, they can try to improve themselves. The current research is written with a library method and in a descriptive-analytical way, and the purpose of this research is to investigate the importance of literature for children and adolescents.

Keywords: literature, children, teenagers, importance